



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هجدهم

موضوع:

گذری کلی بر مبانی تربیت ۱

هشتم اردیبهشت ۱۴۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الهم صل على محمد و آل محمد و آل محمد و عجل فرجهم

جان اف هات، الهی دان و استاد ممتاز دانشگاه جورج تاون آمریکا در کتاب خدا و الحاد جدید:

در نوشتن این کتاب تصمیم دارم عیوب و مغالطات بنیادینی را بر ملا کنم که الحاد جدید را بسیار ناکارآمدتر از آن می‌کند که در آغاز به نظر می‌رسد.

نه می‌توان به هر نویسنده‌ای به تفصیل پرداخت و نه به همه مطالب پاسخ داد و نه برای نشان دادن ناسازی‌های مشترک آنها نیازی به چنین کاری هست.

ملحدان جدید آن قدر نقاط مشترک با یکدیگر و با اقسام گوناگون قدیمی الحاد دارند که آنچه من در نقد یکی بگویم، صرف نظر از اختلافاتی که دارند عموماً قابل اطلاق به دیگران است.

این مطلب به ویژه در مورد جهان‌بینی مشترک آنها و بسیاری از دانشمندان فیلسوفان و دیگر متفکران معاصر نیز صادق است.

منظورم در اینجا بینشی در مورد واقعیت است که قبلاً از آن با عنوان طبیعت‌گرایی علمی یاد کردم بینشی که روزبه روز بر دامنه تأثیر آن افزوده می‌شود.

من به خاطر اهمیت آن در شکل دادن به ذهنیت و فضای فکری همه ملحدان جدید، از جمله کسان بسیاری که نمی‌توانم نام ببرم مهم‌ترین اصول آن را بر می‌شمرم:

۱. غیر از طبیعت که شامل انسان‌ها و آفریده‌های فرهنگی، ماست چیز دیگری وجود ندارد؛ نه خدایی هست و نه نفسی و نه حیات پس از مرگ وجود دارد.

۲. طبیعت مبدئی غیر از خود ندارد و آفریده خدا نیست.

۳. عالم فاقد هر گونه هدف و غایتی است هر چند افراد انسانی می‌توانند زندگی هدف دارانه‌ای داشته باشند.

۴. چون خدا وجود ندارد، همه تبیین‌ها و علل کاملاً طبیعی و در حیطه فهم و درک علم هستند.

۵. همه ویژگی‌های گوناگون موجودات زنده از جمله هوش و رفتار، انسان را می‌توان به طریق کاملاً طبیعی و به ویژه با توسل به نظریه‌های تکاملی یعنی نظریه‌های داروینی، تبیین کرد. ملحدان جدید به این اصول طبیعت گرایی علمی موارد زیر را نیز می‌افزایند.
۶. ایمان به خدا سبب شرور بی‌شماری است و باید بنا به دلایل اخلاقی نفی گردد.
۷. لازمه اخلاق باور به خدا نیست و مردم اگر ایمان نداشته باشند، رفتارشان بهتر از زمانی است که ایمان دارند.

داروین در کتاب «منشأ انواع»، ص ۱۷۷:

هنگامی که تحولات سودمندی در ارگانیسم جاندار پدید آمد افراد واجد آن در تنازع بقا و دوام بخت بیشتری خواهند داشت و بر طبق قوانین توارث افرادی با همان ویژگی‌ها از آنها زاده می‌شود. من همین اصول حراست از تغییرات مفید و بقای اصلح را «انتخاب طبیعی» نامیده‌ام. انتخاب طبیعی در شرایط زیستی، ارگانیک و غیرارگانیک برای ارگانیسم نقش هادی را دارد؛ در نتیجه آن را به سوی کمال و ارتقا می‌راند. با این حال، شکل‌های پست و ساده هم اگر با شرایط زیستی کمتر پیچیده خود، سازش و تطابق کاملی یافته باشند، می‌توانند مدت‌های مدید به موجودیت خود به همان شکل پست ادامه دهند.

داگلاس فوتویا در کتاب پر مخاطب خود زیست‌شناسی تکاملی، می‌نویسد:

با ترکیب تغییرات بی‌جهت و بی‌هدف با روند کورکورانه و بی‌تفاوت انتخاب طبیعی، داروین توضیحات دینی و معنوی در مورد حیات و هستی را به توضیحاتی زائد و اضافی تبدیل می‌کند. همگام با نظریه ماتریالیستی مارکس در مورد تاریخ و جامعه و همچنین نظر فروید مبنی بر اینکه رفتار انسان متأثر از عواملی است که ما اندک تسلطی آنها داریم، نظریه تکاملی داروین سنگ پایه بنای ماشین‌گرایی و ماتریالیسم را تشکیل داد.

«ارنست مایر» یکی از داروین‌یست‌های معاصره که در سال ۲۰۰۵ از دنیا رفته. به قدری با نظریه داروین پایبند و مبلغش و توسعه‌ش داده که هشت می‌گن داروین قرن بیستم.

البته ظاهراً روی نظریات داروین متوقف نشده و اون را پایه قرار داده و روش ساخته.

به هر حال ارنست مایر در کتاب چستی تکامل می‌که (لطفاً دقیق بخونید):

تفکر تکاملی در نیمه دوم قرن هجدهم و نیمه نخست قرن نوزدهم نه فقط در زیست‌شناسی بلکه در زبان‌شناسی فلسفه جامعه‌شناسی اقتصاد و دیگر شاخه‌ها نیز رواج یافت با این حال در علم برای مدتی طولانی به شکل دیدگاهی در اقلیت باقی ماند.

گذار واقعی از باور به جهان‌بینی ایستا به جهان‌بینی تکامل‌گرا با اتفاق مهیج چاپ کتاب، درباره‌ی منشأ گونه‌های داروین در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۹ رخ داد.

این رویداد شاید مهم‌ترین انقلاب فکری‌ای باشد که بشر تجربه کرده است.

این اتفاق نه فقط باور به ایستایی (و حدوث) جهان بلکه علت سازگاری قابل توجه موجودات زنده و از همه تکان‌دهنده‌تر بی‌همتایی انسان در جهان زنده را به چالش کشید.

آن چه داروین انجام داد فراتر از مطرح کردن فرض مسلم تکامل (و عرضه شواهدی برای وقوع آن) بود. او برای تکامل تبیینی ارائه داد که به هیچ قدرت یا نیروی مافوق طبیعی‌ای اتکا نداشت.

داروین تکامل را به طور طبیعی و با استفاده از پدیده‌ها و فرایندهایی تبیین کرد که هر کس می‌تواند هر روز آنها را در طبیعت مشاهده کند.

در واقع داروین علاوه بر نظریه تکامل چهار نظریه درباره چرایی و چگونگی وقوع تکامل پیشنهاد داد تعجب آور نیست که کتاب منشأ گونه‌ها چنین غوغایی برانگیخت.

این کتاب تقریباً به تنهایی در سکولار شدن علم مؤثر بود.